

ملت مسلح - پیروزی قاطع و سریع

از هجوم خائنه - وسی
احقانه - دولت یعنی عرای
به ایران بیش از یک ماه می-
گذرد، جنگی که به گمان دارو
دسته - صدام و اربابان امیریا
- لیست اومنیست عاقلگیر
کننده با شد و دولتی، رژیم می،
درگیری انواع مشکلات درونی و
بیرونی را به آسان نی رنگون
سازد، یکبار ره جنگ عادلانه و
بیایمان توده های جان برکف
از کار در آمد، در برابر دشمنان
حیرت زده، جهانی که به تلقین
رسانه های مزدور با ختتری
نصوری نادرست از انقلاب
اسلامی ایران و قابلیت زندگی
و پایداری آن داشت، انبوه
جوانان دلآورد و مردم زحمتکش
و محروم سرسبز کشور به پا خاستند و
با همان شورا بمان و ایثار که
در روزهای پرشکوه انقلاب
معجزه آفرید و قدرت ابلیسی

تا دندان مسلحی را به زانو
در آورد، به میدان های رزم
غرب و جنوب روی آوردند، زمین
و هوا و دریا صحنه جاننا بهای
بی دریغ جوانان ما و گورستان
سردویی نام مهاجمان یعنی
گشت، در مرزهای خونین و
سرفراز کردستان و ایلام و
خوزستان، در هنگامه آتش و
بولاد و خون و مرگ، راه پیشروی
دشمن و هجوم های مکرر بی رحمانه
- اش بسته شد، و اکنون روزها
و روزهاست که جوانان و فرزندان
ارحمان گذشته، ایران، در کوی
و سبزه و خیابانهای زیور و
شده با خمپاره و بمب و موشک
خرمشهر و در خاشیه، ویران گشته
آبادان، به سادگی و فروتنی
سرنوشت کشور و انقلاب را رقم
می زنند، و این سرنوشت، در
صورت سازماندهی و رهبری
درست جنگ، جز گسترش و ریشه -

صفحه ۶

هجوم افسار گسیخته صدام حسین خائن به ایران گوشه ای از اجرای طرح جهش مثبت ۸۰ امپریالیسم آمریکا در ایران است

مذکور فاش ساخته بود: "برای استتار هجوم
طرح ویژه ای تنظیم شده که در چارچوب آن
در خلیج فارس، مانورهای تعلیماتی
ناوگان جنگی آمریکا صورت خواهد گرفت
ولی این عملیات هدفش منحرف ساختن
توجه عموم از عملیات واقعی ایران است"
چنانکه می دانیم پیش از افشای طرح
"جهش مثبت ۸۰" ملاقاتهای متعددی بین
سران مرتجع و ضد خلقی پاکستان، عراق و
عربستان سعودی در ریاض صورت گرفت و
فرستادگان سیاسی و نظامی امپریالیسم
آمریکا و انگلیس از عمان، عربستان، مصر
و اسرائیل بازدیدهای مختلفی به عمل
آوردند.

در نیمه دوم مرداد ماه امسال یعنی
یکماه وادی پس ارتقا و رژیم یعنی
عراق به ایران حک اندر سن روزنامه نگار
مشهور آمریکایی نقشه ای را قاش ساخت
که طبق آن قرار است پیناکون در حدود
اواسط ماه اکتبر (مهر - آبان) هجوم
مسلحانه ای را به ایران تحت نام رمز
"جهش مثبت ۸۰" ترتیب دهد، عرص از این
طرح که در ساله طرح کامطیس با نام رمز
"عملیات تورسوز" می باشد، سرانداختن
جمهوری اسلامی ایران و روی کار آوردن یک
حکومت دست نشانده و وابسته امیریا -
لیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم
آمریکاست.

حک اندر سن در توضیح بیشتر نقشه

صفحه ۶

نقش قاطع زحمتکشان لبنان در مبارزه با امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم

خلق لبنان، طبقه کارگر و زحمتکشان آن سالهاست
که با موقعیت دشوار و پیچیده ای روبرو هستند، در آغاز سال
۱۹۷۵ نیروهای توطئه گرا امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع با
همکاری مستقیم سازمانها و احزاب فاشیست لبنان آتش
جنگ داخلی را روشن کردند، این جنگ به خاطر سرکوبی نیرو
- های میهن پرست و ترقیخواه، نابودی انقلاب فلسطین و
محاربه سوریه برپا شد، در حقیقت، یکی از حلقه های نقشه
طرح ریزی شده تبدیل لبنان به دومین کشور عربی امضا
کننده موافقت نامه ننگین کمپ دیوید است.

طبق این نقشه قرار است دولتی در لبنان روی کار
بیاید که هواخواه فاشیسم، متحد اسرائیل و دشمن خلقهای
عرب باشد، آنگاه بر اساس تحکیم و تقویت پایه نظامی
سیاسی و ایدئولوژیک امپریالیسم در لبنان توطئه چینی بر
ضد سایر کشورهای عربی امکان پذیر گردد، دولت جدید وظیفه
دارد سیاست سرکوبی سازمانها و احزاب دموکراتیک و
پیشرو را دنبال کند و آزادی های دموکراتیک را به فراموشی
سیار دوبا هر نوع مبارزه مطالباتی و سیاسی به مبارزه بر
- خیزد، این دولت در عین حالی ما موریت دارد انقلاب

صفحه ۳

نژادپرستی همزاد نظام سرمایه داری انحصاری آمریکاست

ایالات متحده آمریکا به عنوان پیشرفته ترین نمونه
نظام سرمایه داری جهان در لحاظ با مراتب طبقاتی،
نژادپرستی، جنایت و فقر دست و پا میزند.

شورش های نژادی عنصر جدایی ناپذیر زندگی عادی
آمریکاست، روابط آمریکای سفید و اقلیت های ملی دائم
روبه رو خاست می رود.

صفحه ۲

استراتژی کنونی چند ملیتی ها



در دهه اخیر بحث پیرامون شرکت
- های چند ملیتی هیچگاه از صفحات
مطبوعات جهان غایب نبوده است، توجه
روز افزون به فعالیتها و توسعه شرکت
- های چند ملیتی هر ساله ابعاد وسیع تر
و انگیزه های جدیدتری پیدا می کند،
تعقیب بیگانه، این مساله نشانه
اهمیت آن ارجحیت تئوری ویرانیک است
زیرا شرکت های چند ملیتی پدید آمده ای
است زابیده سرمایه داری که در عین
حال برجسته ترین صفات و تناقضات آن
را منعکس می سازد.

نگرانی روز افزون مردم جهان از
توسعه روز افزون چند ملیتی ها، که
گسترش روابط آزاد و عادلانه تجاری و
اقتصادی بین ملت ها را محدود می سازد،
سازمان ملل متحد را بر آن داشته است که
اقدام به ایجاد یک کمیسیون ثابت و
مرکز پژوهشی درباره این شرکت ها
بنماید، کمیسیون کارشناسان سازمان

صفحه ۵

از سلسله قطعنامه های پارلمان جهانی ملت ها برای صلح صوفیه ۲۳ - ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۰ درباره تقویت نظامی در خلیج فارس و شبه جزیره عربستان

۱- پارلمان جهانی ملت ها برای
صلح بر آن است که:

- در زمینه کلی مسأله تسلیحاتی
و تعرض جنگ سرد در مقیاس جهانی، تقویت
نظامی امپریالیستی و فروش اسلحه به رژیم
- های ارتجاعی خلیج حا کیمیت ملی و
امنیت را در این منطقه متزلزل می سازد،
موقعیت خلیج فارس و تروتهای عظیم نفتی
آن و محل هایی که برای تاسیس پایگاه -
ها و مانورهای دریایی عرضه می دارد از
این منطقه یکی از مراکز تشنج بین المللی
و یک انبار ربات بالقوه پدید می آید،
- ایالات متحده آمریکا از راه این
تقویت نظامی تلاش می کند تا با دگرگونی
های انقلابی در منطقه، بویژه در افغانستان
و ایران و وسع دموکراتیک مخالفت ورزد
در تعقیب همین هدف است که آمریکا از هر
سپاه ای سود می جوید تا در خلیج فارس و در
منطقه یک نیروی ضربتی به نام نیروی
واکش سریع مستقر سازد.

- در واقع، منظور از این همه تهدید
جنش های رهایی منطبقه خلیج
و شبه جزیره عربستان و خاور میانه و معا -
نعت از رشد مترقیانه کشورهای این
منطقه و تضمین حمایت نظامی دائمی از
رژیم های ارتجاعی و استبدادی می باشد،
- تقویت نظامی ایالات متحده آمریکا
در خلیج فارس از آن جهت خطرناکتر می شود

صفحه ۴

بقیه: تزا دپرستی همزاد...

شورس خوینس سیاها ن شهر ۱۵۰۰۰۰۰ نفری میا می که نازره نرس نموه- فوران اختلافات طبقاتی وسیاست نژاد کنی است. صفحه سیا ه جدیدی به تار بیج نگیین فرما نروایان اصحا رگرت آمریکا افزوده است. ازدهه ۶۰ به این سو هیج شورشی مانده شورس میا می شدید و نیرو مند نبوده است. در ۱۹۶۵ سیاها ن آمریکا با شورس خود در محله " رنگین پوستان" واتسن در لوس آنجلس به جهانیا ن نشان دادند که آنها سیا دیگری نمیخواهند به انتظا ر معجزانه موکرا می آمریکا " بنشینند و بعهده" " حل تدریجی" مساله " رنگین پوستان زندگی شان را به گرداب خوفناک بی عدالتی و فقر سیا ه بسپارند. در پی شورس واتسن یک سلسله طفیان در محلات سیاها ن شهرهای دیگر آمریکا تکرار شد. مهمترین ایسن طفیان ها در دیترویت و نیویورک در ۱۹۶۷، واشنگتن و شیکاگو در ۱۹۶۸ اتفاق افتاد.

اگرچه در دهه ۷۰ تکان های شدیدی در محلات سیاها ن آمریکا دیده شد، معذالک نژادپرستان آمریکا کوچکترین ناآرامی در جنبه های جنگ نژادی را به شدت سرکوب کرده و برای فرونشاندن آن از واحدهای مهم نظامی استفاده کرده اند.

در این دوره می توان از اغتشاشات مهم نژادی ها ملت **تنکورد** (کا رولین شمالی)، **فلورا ندر** (کا رولین جنوبی)، **روک**، **ایسلند** (ایلیونوئیز)، **ویلینگتون** (دلوار) و سایر شهرها نام برد. همه این اغتشاشات دامنه حوادث مهیب دهه پیشین را نداشته است. این ناآرامی های کوچک در معافل رهبری آمریکا این تصور را به وجود آورد که "اغتشاشات داخلی" پیردامنه" بالهای ۶۰ دیگر تکرار شدنی نیست. رفته رفته گزارش کار کمیسیون تحقیق ریاست جمهوری به دست فراموشی سپرده شد. این کمیسیون در پی ناآرامیهای شدید بالهای ۶۰ ما موریت یافته بود در باره "انگیزه" **"بی نظمی"** ها به تحقیق پرداخت. کمیسیون پس از تحقیق اعلام داشته بود که دو آمریکا سفید و سیا ه وجود دارد که در جهت مخالف هم حرکت می کنند. حوادث میا می باعث می شود که آنها باز به یاد کمیسیون تحقیق بیفتند.

اما چه چیز بحران میا می را برانگیخت؟ انگیزه های مستقیم و ریشه های ژرف این واقعه کدامند؟ فیلم حوادث این شهر تا اغتشاشات واتسن و شهرهای دیگر را به مادی آورد که دیری از رخدادشان نمی گذرد. جریان امر از این قرار است: ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹ چهار ریلیس سفید یک سیا هیوست به نام آرتور مک دوفی را به خاطر نقض مووم مقررات راهنمایی به ضرب کتک از پا در می آورد و سپس می - کوشد با آفریدن صحنه تصادف جنایت خود را مخفی نگا هدارند. اما این توطئه زود فاش می شود. تحت فشار افکار عمومی سیاها ن دادگاه هی برای جنایتکاران تشکیل می - شود. دادگاه نمایشی ۱۷ مه گشایش میابد و ظرف ساعت به کا ر خود خاتمه می دهد. بیا یان کا ر دادگاه ما نند موارد مشابه در سراسر آمریکا بود. جنایتکاران به داوری قاضیان سفید پوست تبرئه می شوند.

تظا هرات اعتراض آ میر آرم سیاها ن در شهر توسط پلیس وحشیانه به خون کشیده شد. پلیس با رها کردن مکان درنده، خود میان تظا هر کنندگان و استعمال کا زاشک آور برضد آنان دهها نفر را از پا در آورد. کوکلوکس کلان و سایر نژادپرستان کشور که در جنوب ایالات متحده میان اقرا د پلیس نفوذ فراوان دارند، موقعیت را با خو سردی تلقی کرده، اعلام داشتند که همه چیز برای آنان مجاز است، بسه همین علت آنها با اتومبیل های خود در کوچه ها و خیابان ها شهر به گشت برداخته، به روی سیاها ن عا بر آتش می گشودند و

بقیه: استراتژی کنونی...

ضد چند ملیتی ها متوسل می شوند. ایسن اشکال مبارزه انعکاسی از همکار ی متقابل بین المللی و یگانگی روز افزون طبقه کا رگر در عرصه جهانی است. تنظیم مبارزه طبقه کا رگر در سطح جهانی شامل اعتبارت و دست ارکا ر کشیدن به منظور همبستگی موجب شده است که امکانا ت چند ملیتی ها در اعمال اسلوب های ویژه استثمرا ر زحمتکشان چون بسته شدن کارخانه به روی کارگران و انتقال سفارشات موسسات در حال اعتصاب به موسسات سایر کشورها، اختلاف فاحش در دستمزدها و امتناع از ساخت سندیکا ها بطور قابل ملاحظه کاهش یابد.

علی رغم سیاست ضد کارگری و ضد-

آنها را به خاک می افکنند. کودکا ن زیادی قربانی وحشیگری این نژادپرستان خونخوار شدند. پاسخ سیاها ن خشمگین به ترور و بربریت نژادپرستان که توسط پلیس سا زمان یافته اند، چه می توانست باشد؟ سیاها ن جز بر پا کردن با ریکا دهها در شهر و آتش زدن مغا زت ها و اتومبیل های سفیدها چاره ای نداشتند. دولت برای کمک به نیروهای سرکوبگر که از واحدهای ویژه پلیس تشکیل شده اند، ۷۰۰۰ نفر از کا ردملی بسیج نمود. آنها دست به یک سرکوب واقعی زدند. حامل وحشیگری آنها ۲۰ کشته، صدها زخمی و بیش از ۱۲۰۰ زندانی بود.

مقامات حا که آمریکا برا شرفا ر افکار عمومی دموکرا تیک آمریکا وجها ن در صد توجه خود سری پلیس بر - آمدند. طبیعی است که اعمال دولت و پلیس هرگز محکوم نشد. جیمی کارتر در گفتگو با ر، بگراها میکی از مقامات دولتی خاطر نشان ساخت که او "از کوشش های دولت و مقامات محلی در برقراری نظم و قانون به شدت پشتیبانی می کند". اعلام شد که این حادثه صرفا ناشی از خطای شخصی چند نفر بایسنو" اشتباه قاضیان در داوری است و مدعی شدند که موقعیت با زارکار به واسطه سیل "فراریان" کوبا پیچیده شده است. منظور از این استدلالا ت این است که بگویند خشم و غضب سیاها ن هیچ جنبه عینی ندارد، بلکه یک امر کا ملا حادثی است.

لازم به یاد آوری است که نقش و اهمیت حوادث میا می در جای نخست در پاسبخه این سؤال مشخص می گردد: آیا آنها نتیجه اندیا مقدمه؟ یا بیا ید این حوادث را انعکاس و ظنین هیاهوی سالهای ۶۰ دانست (زبان رسمی واشنگتن در بیان این حوادث) و یا به عقیده شخصیت های دموکرا تیک و مطبوعات کشور آن را سراغا ز فروریختن سیاست نژادپرستانه تلقی کرد؟

علی رغم برداشت دستگا رهبری آمریکا که شورس سیا - ها ن را در میا می نتیجه خنوت پلیس می دانند، ریشه های این تراژدی خیلی عمیق تر از آن است: نگاهی به موقعیت اقتصادی محله های سیا ه نشین میا می که بطرز آن را شهر آزاد می نامند، حقایق را خوب روشن می کند: نرخ بیکاری در میان جمعیت سیا ه ۱۷٪ است. ۳۸٪ سیاها ن آمریکایی میا می درآمدی پایین تر از "سطح فقر" دارند، به عبارت دیگر، فقر سیا ه، نداشتن دورنمایی در زندگی و جایی در جامعه برای کسب "امکانا ت مساوی"، سپه روزان آمریکای سرما یه دار را به خیا بان ها می کشا نند تا سینه ها یشان را به گلوله های کا ردملی بسپارند. در حقیقت، رای نا حق دادگاه چاشنی مساعدی برای افکار خشم فرو خورده سیاها ن محروم از همه چیز بود.

ستم نژادی و استثمرا مضاعف سیاها ن آمریکا سرچشمه اصلی اغتشاش هایی است که دامنه و شکل های آن به تریاط زمانی و مکانی ارتباط دارد.

روزنامه کریچن سا ینس مونیتور در فر دای قتل عام واتسن نوشت: "حقیقتا سیاها ن در قرنطینه های شهرها قربانی جدایی اندویس از ۲۰ سال هنوز خفقان شهروند بودن کا مل را ندرند و با آنها مانده مطرودین رفتار می شود".

از حوادث واتسن ۱۵ سال گذشته است. تبلیغات نژاد پرستان آمریکا کوشید این دوره را دوره "پیشرفت وسیع" جمعیت رنگین پوست ایالات متحده معرفی کند. آیا واقعا چنین است؟

در ۱۰-۱۵ سال اخیر برخی تغییرات در شرایط جمعیت رنگین پوستان به وجود آمده است. تصویب حقوق مدنی از آن جمله است. امروز حتی در جنوب ایالات متحده که بطور سنتی نژادپرستانه نوشته هایی چون "لفظ برای سفیدپوستان" به چشم نمی خورد، تعداد زیادی سیاها ن از حق رای بر - خوردا رند. نمایندگان آنها در شهرداری فزونی یافته اند.

حقیقت این است که اعلام برابری صوری در حقوق و لغو نابرابری حقوقی به ریشه کن شدن ایدئولوژی نژادپرستی نیا نجامیده است. وهیج تغییر چشمگیری در موقعیت اجتماعی و اقتصادی اقلیت های ملی دیده نمی شود. هنوز شکاف عمیقی بین شرایط زندگی سفیدها و سیاها ن آمریکا وجود دارد. مثلاً بیکاری را در نظر بگیریم: در ۱۹۶۵ سطح بیکاری در میان جمعیت سیاها ن دو بار بیشتر از سفیدها بود. طبق آمار وزارت کار ایالات متحده آمریکا در آوریل ۱۹۸۰ نرخ بیکاری میان مزدبگیران در مجموع کشور برای سفیدها ۷٪ و برای سیاها ن ۱۲/۶٪ است. وضع جوانان سیا ه از این هم بدتر است. ۱۵ سال پیش از هرچها رجوان سیا ه یک نفر بیکار بود، امروز (طبق برآورد سا زمان اتفاق ملی شهری) از هر سه نفر یک نفر بیکار است.

مطالعاتی که تحت عنوان وضعیت سیا ه آمریکا یسی در ۱۹۸۰ توسط سا زمان مذکور صورت گرفت نشان می دهد که در ۱۹۷۸ درآدمتوسط خانواده های سیا هیوست آمریکا یسی تقریبا ۵۹٪ یک خانواده سفید پوست بود. حال آنکه در ۱۹۶۸ در حدود ۶۱٪ بود. طبق برآورد سا زمان مذکور، در سال - های ۷۰ تعداد خانوادها های کم درآمد سیا ه یوست که از حداقل زندگی بی بهره اند ۱۹٪ افزایش یافته و از ۱۳۶۰۰۰۰ نفر به ۱۶۲۲۰۰۰ رسیده است.

این مساله در عمل برای سیا ه آمریکا یسی چه معناست؟ روزنامه نیور دی چنین جواب می دهد: "عمریک سیا ه ۶ سال کوتاه تر از یک سفید است. هر روز سیا ه ۴ بار بیشتر از نوزاد سفیدنا نس مرگ دارد. خطر مرگ سه یا بیشتر زا ثوی سیا ه را تهدید می کند". همین روزنامه می افزاید:

"مرگ و میر سیاها ن از بیماری سل ۱۲ بار، از هیپرتانسیون ۱۱ بار و از پنومونی ۶ بار بیشتر از سفیدپوستان است". لازم به گفتن نیست که تعداد زیادی سیاها ن از این آمارها که محرومیت فاحش آنها را از نعمات زندگی نشان می دهد بی اطلاعند. اما در عوض، هر سیا هیوست بنا به تجربه تلخ زندگی خود خوب می دانند که آخرین فردی است که استخدام می شود و اولین نفری است که اخراج می گردد. آنها در عمل خوب در یافته اند که اجاره یک آپارتمان در محله سفید پوست ها هم به دلیل رنگین پوست بودن و هم به علت فقر مالی ناممکن است. آنها بنا به سرنوشت اسفنا ر خود که محصول سیاست موحش نژادپرستی است نه قرنطینه های - محلات مخروبه و فقیرنشین رانده می شوند. "آمریکایی های منطقه دوم" از همان اوان کودکی خوب می فهمند که دو آمریکا وجود دارد که بر حسب آن (و طبق آمار انجمن مله آموزش) ۴۴٪ کودکا ن رنگین پوست ناچارند فقط در مدارس "سیاهان" اسم بنویسند. نازها این پدیده ۲۵ سال پس از تصمیم دیوان عالی ایالات متحده است که اعلام دانته بود جدا بی در زمینه آموزش با قانون اساسی کشور در تضاد است.

در حقیقت، همانطور که ج. ج. کمون رئیس سازمان سیاها ن اعلام داشت: "میا می یک پدیده استثنایی نیست. در هر شهر آمریکا یک میا می وجود دارد".

ایالات متحده آمریکا به عنوان سرکرده نظام سرمایه - داری انحصاری جهانی لحن زا رویش نژادپرستی، جنگ، استثمار، فساد، فحشا، انحطاط اخلاقی و انواع نابرابری های اجتماعی و ستاد توطئه علیه انقلابها و جنبش ها یی بخش ملی است.

تنها رستاخیز عمومی خلقها می تواند این غول مهیب ستمگرا را از پا درآورد و به زحمتکشان این کشور و نیروهای دموکرا تیک آن فرصت دهد که این دژ اهریمنی دنیای سرمایه را از درون فتح نمایند.



عمومی گروه بندی های انحصارات بین المللی و سیاست دولتها ی بورژوازی که از منافع کمیانی های ملی دفاع می کنند. این تضادها مخصوصا در دوران خرابی اوضاع و احوال اقتصادی شدت می یابند. آخرین بحران یکبار دیگر به وضوح نشان داد که دولت در نظام سرمایه داری یک نهاد ملی برای تامین سلطه بورژوازی و برای دفاع از منافع وی است. در حقیقت، در شرایط بحران دولتها ی اروپای غربی از حمایت شعبه های کمیانی های خارجی روبرو یافته همه کوشش خود را صرف دفاع از سرمایه ملی می کنند.

تحول اوضاع سیاسی در تعدادی از کشور - های سرمایه داری اروپا در روندکا هش سرمایه گذاری های چند ملیتی تا ثیر محسوسی دارد. مبارزه ای که در این کشور - ها برای دموکرا تیزه کردن زندگی اجتماعی

- شان را به شورا های کمیانی ها تحمیل کنند.

ظهور این پدیده موجب نگرانی مدیران ارشد چند ملیتی ها شده است زیرا گسترش آن پایه های فرمانروایی فوق - انحصارات را در اقتصاد دیگر کشورها ی سرمایه داری سست می کند. **الفرد موچیا** نایب رئیس شرکت اسپاری رانده معتقد است: "بالا بودن سطح دستمزدها توام با محدودیت های واقعی یا بالقوه مدیریت کمیاتی ها در اخراج یا استخدام کارگران انگیزه های سرمایه گذاری های خارجی آمریکا را تخفیف می دهد، در حالیکه شرکت - های محلی (آلمان غربی) تشویق می - شوند به ایالات متحده که جوکا در آنجا به طور محسوس بهتر است، ر و آورند".

توسعه چند ملیتی ها با تضادهای جدیدی روبرو شده است، تضاد بین مقاصد

سندیکایی چند ملیتی ها مبارزات مطا - لبیاتی کارگران در برخی کشورها ی سرما یه داری شدت یافته است. مثلدا ر انگلستان تعداد اعتصابات همبستگی و با عات کا ر تلف شده در موسسات وابسته به چند ملیتی های خارجی الاصل ۱/۵ تا ۲ بار از شاخص های کمیانی های ملی بیشتر است. فعالیت کارگران سرمایه کمیانی عمده اتومبیل سازی آمریکا در این خصوص ویژگی نمایان دارد.

شرکت معین کارگران در مدیریت تولید عامل اجتماعی مهمی است که به جلوگیری کردن از توسعه انحصارات بین المللی در اروپای غربی کمک می کند. زحمتکشان کشورهایی چون جمهوری فدرال آلمان، سوئد، نروژ، دانمارک، اتریش، موفق شدند در جریان مبارزه ای ها دو طولانی نمایندگان

بقیه: نقش قاطع زحمتکشان...

فلسطین را نابود کند و از منافع انحمارات امپریالیستی به ضرر منافع توده‌های خلق لبنان دفاع نماید.

برای رسیدن به این هدف‌ها، نیروهای فاشیست به یاری مقامات کشور حملات خونینی را بر ضد مقاومت فلسطین و نیروهای میهن پرست و ترقیخواه لبنان به راه انداخته‌اند. از این رو، لبنان در یک جنگ ویرانگر داخلی غوطه می‌خورد. اسرائیل که یکی از ارکان این توطئه، شیطانسی است دست به حمله بربرمنشانه بر ضد لبنان می‌زند. این کشور متجاوز به سبب فروکوبیدن نیروی مقاومت فلسطین و سرکوب جنبش ترقیخواهان، مردم لبنان و کشتار بیرونی طحها زمان ملل با سلاح‌های رنگارنگ آمریکایی بارها از جانب ارکان های ذیصلاح بین المللی محکوم شده است. متجاوزین اسرائیلی در نقاط مختلف لبنان منجمه دریا بتخت این کشور، بیروت تخم مرگ و ویرانی می‌پاشند. اسرائیل چه مستقیم و چه به وسیله عامل خود سعد حداد داخلین به اشغال مناطق مرزی جنوب مشغول است.

حوزه مقاومت

نیروهای میهن پرست و ترقیخواه لبنان در پیوند با نهضت مقاومت فلسطین در برابر توطئه وسیع امپریالیستی مقاومت قهرمانانه ای از خود نشان داده و در سالهای طولانی مبارزه بیرحمانه قریبانی‌های عظیمی متحمل شده‌اند.

تصادفی نیست که لبنان به عنوان یکی از مراکز توطئه امپریالیسم انتخاب شده، زیرا هم حضور فلسطینی‌ها در این کشور خیلی زیاد است و در این جا بهترین اهرسرمز میهنی دیگر عربی سازمان یافته‌اند و هم به دشمن صهیونیستی بسیار نزدیک‌اند. علاوه بر این مرکز سیاسی و نظامی سازمان آزادی بخش فلسطین در لبنان قرار دارد و فعالیت رسانه‌های گروهی این نهضت در آنجا متمرکز است. از سوی دیگر، لبنان به علت برخورداری از یک سیستم کثرت‌گرا و جنبش میهن پرستانه و ترقیخواهان، با نفوذ که با توده‌ها پیوند داشته و با نهضت مقاومت فلسطین متحد است از دیگر کشورهای عربی متمایز است. این دو نیرو با هم از گسترش اتحاد امپریالیستی، صهیونیستی و ساداتی است امپریالیست‌ها می‌پندارند که کامیابی توطئه‌شان در لبنان می‌تواند تنها راه راه روی به اصطلاح شرکت فلسطینی‌ها در طرح‌های صهیونیستی "خودمختاری" سرزمین‌های اشغالی اعراب بگشاید بلکه در همین حال تهدیدی واقعی برای سوریه خواهد بود که با نقشه‌های دشمنان خلقها در منطقه سرخستانه مخالفت می‌کند.

در قلب این تیرد

طبقه کارگر لبنان و جنبش سندیکایی وی در قلب این سردلجوجان و بیرحمانه نقش ویژه ای ایفا می‌کنند. در حقیقت جنبش سندیکایی توانسته است وحدت سازمانی خود را در درون کنگدراسیون عمومی کار (که مراکز مختلف سندیکایی را در خود گردمی آورد) حفظ کرده و با بالا بردن سطح نهضت کارگری به مبارزات خلق لبنان فعالانه کمک کند از سوی دیگر، جنبش سندیکایی متکی به یک برنامه عملی است که تنها به پیش کشیدن مطالبات فوری اجتماعی - اقتصادی طبقه کارگر قناعت نمی‌ورزد، بلکه مطالبات توده‌های وسیع زحمتکشان شهر و روستا را نیز مطرح می‌سازد. این برنامه در مقیاس وسیعی مبارزه با انحصارات راه‌آهن خود قرا داده است. افزایش دستمزد متناسب با ترقی قیمت‌ها، بیمه درمانی، تأمین مسکن، آموزش، کاهش اجاره مسکن و همچنین مطالبات کارگران کشاورزی، زحمتکشان روستا و کارمندان از نکات اساسی این برنامه است.

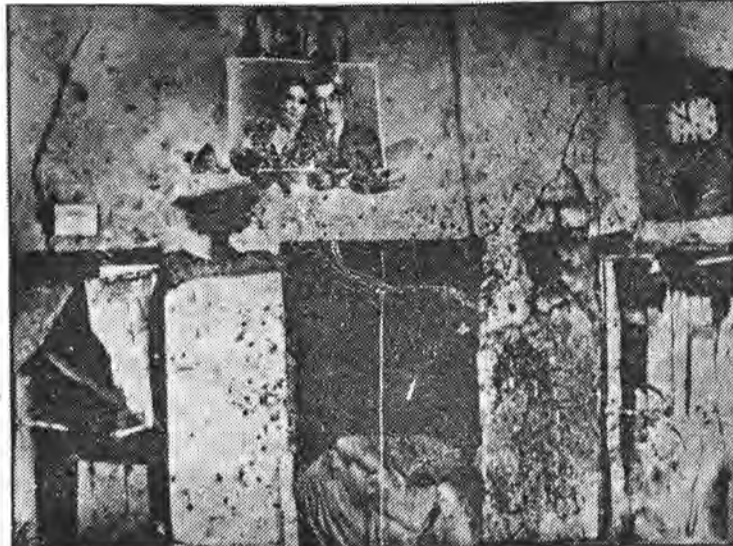
جنبش سندیکایی لبنان برای تحکیم و گسترش آزادی‌های دموکراتیک، به ویژه حق متشکل شدن در سندیکاها که باید برای همه گروه‌های زحمتکشان، از جمله کارمندان ادارات و کارکنان شهرداری شناخته شود، اهمیت فراوانی قایل است. برنامه به نوسازی اقتصادی نیز تا کید دارد. و بدین منظور خواستار تشکیل تعاونی‌های تولید و مصرف، تقویت بخش عمومی و اصلاح سیاست مالی و مالیاتی است.

جنبش سندیکایی به منظور راه یافتن طبقه کارگر به مراجع قانونگذاری در راه اصلاح قانون انتخابات نیز تلاش می‌کند. در مبارزه به خاطر دموکراسی که بیابانگر مبارزه شدید طبقاتی در دوران کنونی است، نقش پیشاهنگ زحمتکشان مخصوصا در موسسات بزرگ صنعتی و در میان کارگران و کارکنان ادارات دولتی که کارگران زیادی در آنها متمرکز شده‌اند، به وضوح دیده می‌شود. در این زمینه لازم به یادآوری است که سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ موج شدیدی از اعتصابات عمومی لبنان را فرا گرفت که به وحدت سندیکایی کمک

نمود و صفوف طبقه کارگر را که در سطح ملی دارای نفوذ و اعتبار است، استحکام بخشید.

همزمان مبارزه زحمتکشان روستایی وسعت یافته است و کمیته‌های سندیکایی بوجود آمده‌اند. دهقانانی که به کشت تنباکو، سبزیجات و مرکبات اشتغال دارند و نیز کارگران المیکه و مناطق ساحلی و کوهستانی در مقیاس وسیعی دست به مبارزه زده‌اند.

در جا رجوب مبارزه برای دموکراسی و مطالبات سیاسی و اجتماعی، مبارزات دانشجویان، آموزگاران، استادان دانشگاه‌ها، صاحبان حرفه‌های مختلف از ادو روشنفکران نیز گسترش یافته است.



زندگی مقارن ظهور در این خانه متلاشی شد

در حالیکه ساله لبنان وارد ششمین سالش می‌شود طبقه کارگر این کشور و جنبش سندیکایی آن با وظایف پیچیده و بغرنج که همه قلمروهای زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور را در بر می‌گیرد، روبرو می‌شود. طبقه کارگر برای دفاع از میهن خود مستقیماً در مبارزه علیه تجاوزات مکرر صهیونیستی شرکت می‌جوید و با هر نوع تجزیه و تقسیم کشور مبارزه کرده و همه کوشش خود را صرف حفظ وحدت و تمامیت ارضی لبنان می‌کند که در حقیقت ضامن اساسی ادامه مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک، از جمله آزادی‌های سندیکایی و مطالبات اقتصادی و اجتماعی است.

جنبش سندیکایی لبنان با بدی آثار منفی و مخرب جنگ داخلی که عمیقاً ساختارهای کشور را به ویرانی کشیده به مقابله برخیزد. کافی است برخی از زیان‌هایی که به این کشور وارد شده به ارقام ذکر شود تا عمق فاجعه‌ای که دامنگیر این قریبانی امپریالیسم و صهیونیسم شده مشخص گردد.

- ۷۵۰۰۰ نفر از جمعیت ۲/۵ میلیون نفری این کشور قریبانی‌ها رزات خونین شده‌اند.

- بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر از لحاظ جسمی بیمار و چندین



ویرانی‌هایی که از صهیونیست‌ها به جا مانده

هزار نفر زخمی شده‌اند.

- ده‌ها هزار نفر برای مصون ماندن از بمباران‌های اسرائیل، جنوب را ترک کرده‌اند.

- تقریباً مهاجرت یک میلیون نفر یعنی نزدیک به ۴۰٪ جمعیت کشور مخصوصاً کارگران و زحمتکشان کارآموده به کشورهای دیگر علت اساسی خرابی و سایل مهم تولید است.

- صدها کارخانه خراب یا تعطیل شده‌اند. مناطق کشاورزی از زمین رفته‌اند. تورسم که بخش مهم اقتصادی این کشور بوده بکلی نابود شده است.

- ده‌ها شهر و روستا در جنوب کشور به واسطه تجاوز اسرائیل و عوامل آن از زمین رفته‌اند.

- تورم شتابان (در سال ۱۹۷۹، ۲۹٪) که سنگینی آن به دوش زحمتکشان است قابل کنترل نیست.

- وضع خدمات اجتماعی، مخصوصاً آموزش، مراقبت‌های پزشکی و بیمه‌های اجتماعی به شدت خراب شده است.

جنبش سندیکایی لبنان که در کوران مبارزه آبدیده شده با رستگین وظایف حساس کنونی را همچنان بردوش می‌کشد. این جنبش با دنبال کردن مبارزه ملی لحظه‌ای از هدایت و رهبری مبارزه‌سورانه به خاطر دفاع از منافع کارگران و همه توده‌های زحمتکش شهر و روستا با زنا پستاه

است.

این جنبش در کنگره خود برنا ماهی را تصویب نمود که از مضمون عینی و علمی استواری برخوردار است. بر حسب این برنامه برای بسیج توده‌های زحمتکش باید از همه اشکال مبارزه سود جست. مبارزات در قالب اعتبارات عمومی جنبه ملی پیدا می‌کند. این مبارزات نفوذ طبقه کارگر و جنبش سندیکایی وی را توسعه داده و به تحکیم وحدت این طبقه کمک می‌کند و به امکان می‌دهد که صبه سازمان‌های دموکراتیک توده‌ای را توسعه و تحکیم بخشد.

جنبش سندیکایی لبنان از دیرباز در این راه گام نهاده و به خاطر آن مقاومت و بی‌افتاری می‌کند. بدیهی است که در این مبارزه به همستگی بین المللی زحمتکشان و طبقه کارگر جهانی نیاز دارد. پشتیبانی سیاسی، اخلاقی و مادی زحمتکشان سراسر جهان با ارزیابی نرحسته و استقبال شایسته طبقه کارگر لبنان روبرو شده است. زیرا این پشتیبانی به اجرای هدف‌هایی که این طبقه انتخاب کرده کمک می‌کند.



بقیه:

استراتژی کنونی

دستگاه اداری دولت جریان دارد. در مقیاس معینی جونا مساعدی - در اشکال و درجات شدت مختلف - برای سرمایه - گذاری چند ملیتی‌ها بوجود آورده و عملیات آنها را کاهش داده است. در ۱۹۷۷-۱۹۷۶ شعبه‌های کمیانی‌های آمریکا بی در ایتالیا، فرانسه و اسپانیا هزینه‌ها بشان را در ساختمان موسسات و تجهیزات در مقایسه با ۱۹۷۵ نزدیک به ۱۵۰-۲۰۰ میلیون دلار کاهش داده‌اند.

کلیه عوامل فوق که عمدتاً دارای ماهیت بلندمدت‌اند، دست به دست هم داده، کنیدی، محسوسی در فعالیت‌های چند ملیتی‌های مورد بحث در دهه ۷۰ در اروپای غربی به وجود آورده‌اند. به هر حال این تصور که کاهش سرمایه‌گذاری‌های خصوصی خارجی در کشورهای اروپای غربی و افزایش سرمایه‌گذاری کشورهای اروپای غربی در ایالات متحده و نقش فزاینده کشورهای در راه رشد در سرمایه‌گذاری‌های خارجی آمریکا تحولات اساسی در استراتژی انحصارهای چند ملیتی را منعکس می‌سازند، تصویری اغراق آمیز و دور از واقعیت است.

"هسته" های محکم تولید چند ملیتی - هاد در خارج در اروپای غربی استقرار یافته‌اند. مراکز علمی و آژانس‌ها - پایگاه‌های اساسی این چند ملیتی‌ها را تشکیل می‌دهند. استقرار آنها در منطقه صنعتی جهان سرمایه‌داری بسته به عوامل متعددی است که تنها اکنون در کشور - های جوان وجود دارند، بلکه در آینده قابل پیش بینی فراهم آمدن عوامل مذکور در کشورهای مورد بحث ناممکن است. فعالیت‌های کنونی چند ملیتی‌ها در کشور - های در راه رشد در جای نخست با کاربرد همواره وسیع تر اشکال توسعه همراه است که به سرمایه‌گذاری‌های زیاد و کنترل مستقیم تولید نیاز دارد.

ادامه دارد

اتحاد مردم

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (۱۰۴ به آذین)

سردبیر: محمد تقی برومند

آدرس: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹

(دفتر در اختیار ما نیست)



تقویت نظامی...

که با اهداف نظامی تازه ای که مصر بر اثر موافقت نامه های کمپ دبوید عرضه می- دارد در پیوند است .

۲- پارلمان جهانی ملت ها برای صلح همبستگی خود را با کلیه جنبش های رها بی بخش و همه نیروهای دموکراتیک و میهنی این منطقه که در شرایطی بسیار دشوار به مبارزه خود برای کسب استقلال واقعی آزادی و حقوق بشرو برای رشد اجتماعی و اقتصادی مستقلانه ادامه می- دهند ابراز می دارند .

پارلمان از مبارزه یمن دموکراتیک بر ضد توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی و همچنین از کوشش های آن دولت و جنبه ملی دموکراتیک یمن شمالی برای وحدت یمن بر اساس صلح و دموکراسی جدایی ناپذیری می نماید .

پارلمان جهانی :

- بانگراسی خاطر نشان می سازد که درگیری نظامی عراق و ایران جزیه سود امپریالیسم نمی تواند باشد ، از این رو ، مصرانه خواستار قطع فوری این درگیری هاست و هر دو کشور را به احترام به تعامیت ارضی یکدیگر فرامی خواند .

- حذف پایگاه ها و هدقهای نظامی ایالات متحده را در بحرین ، عمان ، عربستان سعودی و سومالی طلب می کند .

- همگان را به تبدیل این منطقه به منطقه صلح دعوت می کند .

تشکلات امپریالیسم را برای ایجاد یک اتحاد نظامی ارتجاعی به بهانه "امنیت خلیج" افشا می کند .

- سیاست سرکوب را در عربستان سعودی ، عمان ، بحرین و دیگر کشورهای خلیج محکوم می کند .

- به سازمان دادن فعالیت ها در سطح ملی و بین المللی توصیه برای تاکید بر خطری که تقویت نظامی پدید می آورد پیشنها می کند و همگان را به صلح ، امنیت و پیشرفت و رهایی ملی فرامی خواند .

اقیانوس هند ، منطقه صلح

بعود نظامی دامنگستر ایالات متحده آمریکا در منطقه اقیانوس هند به صورتی پیوسته حدی تر استقلال و حاکمیت کشورهای ساحلی و کشورهای درون قاره ای را تهدید می کند .

توسعه پایگاه های نظامی آمریکا در اقیانوس هند ، بویژه پایگاه هوایی و دریایی دیگوگا رسیا که بمب افکن های آمریکایی حامل بمب هسته ای از آنجا برای تهدید کشورهای ساحلی اقیانوس هند پرواز می آیند ، و نیز استقرار پایگاه های جدید آمریکایی در کشورهای ساحلی و درون قاره ای ، مانند کنیا ، سومالی ، عمان و مصر سرچشمه نشخ های تازه ای در منطقه می- باشد .

مردم کشورهای منطقه اقیانوس هند که یک سوم جمعیت جهان را تشکیل می دهند در معرض تفنگها و موشکهای آمریکایی ، از جمله موشکهای هسته ای ، زندگی می کنند ، بدین سان ، امپریالیسم آمریکا نه تنها به نحوی آشکارا ملت های آسیا بلکه همچنین ملت های آفریقا و آمریکای لاتین را تهدید می کند .

حضور انبوه نیروهای دریایی آمریکا که با نیروی واکنش سریع تقویت می شود ، و بسیاری پایگاه ها و نیروهای دریایی انگلستان و فرانسه که در اقیانوس هند مستقر شده اند خطری جدی برای صلح جهان در بر دارد . ایر خطر به صورت های چندی پس از تشکیل محور

واشنگتن - یکن گسترش یافته است . پارلمان جهانی ملت ها برای صلح حضور نظامی روز افزون ایالات متحده آمریکا را در اقیانوس هند به مثابه وسیله ای برای جنگ و تهاجم و زیر سلطنت های منطقه محکوم می کند . هدف این حضور نظامی از بین بردن استقلال این ملت ها و تحمیل نوعی شبه استعمار بر آن هاست ، و با کنترل و بهره برداری از مواد اولیه و زیرساختی کارشان به سود شرکت های چند ملیتی می خواهد فقرشان را دائمی سازد .

همه این فعالیت های امپریالیسم آمریکا در منطقه اقیانوس هند به صورتی آشکارا قطعنامه های سازمان ملل متحد را در باره "اقیانوس هند - منطقه صلح" نقض می کند . پارلمان جهانی ملت ها برای صلح قویا امیدوار است که کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد زیر عنوان "اقیانوس هند ، منطقه صلح" که برای سال ۱۹۸۱ در سری لانکا پیش بینی شده است از پشتیبانی همه کشورهای برخوردار خواهد شد .

ایجاد یک منطقه صلح در اقیانوس هند همگامی بیشتری را میان همه کشورهای منطقه در امر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی شان موجب خواهد شد و صلح را تقویت خواهد کرد . پارلمان جهانی از پیشنها دهای رئیس جمهور ما داگاسکا رودریا ره تشکیل کنفرانسی در سطح عالی در سال ۱۹۸۱ تا از اقیانوس هند یک منطقه صلح درست شود و صلح را در این منطقه تقویت نماید پشتیبانی می کند .

پارلمان جهانی پیشنها دهای تازه - ای را که از جانب اتحاد شوروی عرضه شده است تا به منظور کمک به کاهش حضور نظامی در اقیانوس هند مذاکراتی با ایالات متحده آمریکا صورت گیرد و خوشوقتی تلقی می کند . افکار عمومی بین المللی از امتناع مداوم دولت آمریکا از شرکت در چنین مذاکراتی متاسف است .

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح ملت های کشورهای ساحلی و درون قاره ای پیرامون اقیانوس هند را برای آغاز یک مبارزه جهانی با همکاری ملل کشورهای سوسیالیستی و ملل صلح دوست دیگر کشورها فرا می خواند تا همه پایگاه های امپریالیسمی مستقر در قاره آسیا برچیده شود و از اقیانوس هند یک منطقه صلح پدید آید . جزیره دیگوگا رسیا با بدهمان طور که ملت و دولت کشور موریس طلب کرده اند به این کشور با زیست داده شود . برقرار ربا صلح در اقیانوس هند!

قطعنامه درباره کره

از تقسیم کره به وسیله نیروهای خارجی یک دوره طولانی می وینج ساله گذشته است . با این همه مسئله کره هنوز حل نشده است و همچنان یکی از نقطه های گریه سیاست جهانی می باشد . این یکی از بزرگترین فاجعه های قرن بیستم است . خواست همگانی ملت کره و ملت های ملحدوست جهان است که به این فاجعه تقسیم کره پایان داده شود و صلح در کره و وحدت مجدد آن تأمین گردد .

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح برای این نکته تاکید میورزد که ایالات متحده آمریکا با تسریع در تدارکات تازه جنگی همزمان با تقویت نیروهای آمریکایی مقیم کره و ارتش دست نشانده کره جنوبی اوضاع را در کره با زوخم ترسازد . نزدیک به ۲۴۰۰۰۰ سرباز آمریکایی و بیش از ۷۰۰۰۰۰ نفرات ارتش دست نشانده کره جنوبی مجهز به سلاح های آمریکا بی در کره جنوبی

وحدت مسالمت آمیز آن اکنون از مسائل گریه سیاست جهانی است ، چنین مقرر می- دارد : وحدت کره با ید بر اساس سه اصل استقلال ، تجدید وحدت مسالمت آمیز و وحدت بزرگ ملی به صورتی که کره شمالی و کره جنوبی در اظهاریه مشترک مورخ ۴ ژوئیه سال ۱۹۷۲ در باره آن موافقت نمودند و نیز پنج اصل سیاست تجدید وحدت ملی که دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره پیشنهاد کرده است صورت گیرد .

ایالات متحده آمریکا با ید نیروها و سلاح های هسته ای و تمامی سلاح های دیگر خود را بی درنگ و بی هیچ قید و شرط از کره جنوبی بیرون ببرد .

هیچ انگیزه و اساسی برای باقی ماندن سربازان آمریکا بی در کره جنوبی وجود ندارد ، زیرا جمهوری دموکراتیک خلق کره با رها روشن کرده است که هیچ قصدی برای اشغال جنوب ندارد و این نکته را در فعالیت عملی خود نشان داده است .

ایالات متحده آمریکا با ید بی درنگ به پیشنها مذاکرات کره - آمریکا برای

آن که قرار داد صلح جایگزین قرار داد تریک خاصه گردید پاسخ مثبت دهد .

برای تجدید وحدت مسالمت آمیز کره ، دستگاه نظامی و فاشیستی حکومت باید در کره جنوبی برچیده شود و دموکراتیک شدن جامعه کره تحقق پذیرد . چون دوهوان باید همان گونه که مردم کره جنوبی طلب می- کنند از مقام رئیس جمهوری برکنار شود ، قوانین ظالمانه فاشیستی و از جمله "قانون اساسی نوسازی کشور" ملغی گردد . "کیفر" نا هنجاری که دموکرات های کره جنوبی ، از جمله کیم دای جونگ بدان محکوم شده اند لغو شود و همه آنان بی هیچ قید و شرطی آزاد گردند .

با در نظر گرفتن آن که به علت اوضاع کنونی ، تسخیر نیروی ملت های ملحدوست جهان برای استقرار صلح با دوام در کره و تجدید وحدت مسالمت آمیز آن از اهمیت برخوردار است ، پارلمان جهانی ملت ها تشکیل یک کنفرانس بین المللی نیروهای صلح را در پشتیبانی از تجدید وحدت آزادانه و مسالمت آمیز کره ضرورت تشخیص می دهد .

پارلمان جهانی از سازمان های صلح و از ملت های ملحدوست جهان دعوت می کند تا پشتیبانی فعال و همبستگی خود را در مبارزه مردم کره برای تجدید وحدت کشور با تدا بیرون عملی و به انحاء مختلف نشان دهند و به عنوان یک وظیفه فوری افکار عمومی را بسیج کنند و برای ید های دموکرات های زندانی که مبارزه در راه صلح و عدالت و دموکراسی اجتماعی رهبری می- کرده اند و همچنین برای لغو کیفر مرگ که کیم دای جونگ بدان محکوم شده است دست به مبارزه بزنند .

مستقر هستند . همچنین با ید از به اصطلاح "نیروی دفاع کشوری" و "سپاه دفاع از زمین دانشجویان" که جمعا ده میلیون تن می- باشند یداد کرد . ششصد و پنجاه سلاح هسته ای در کره جنوبی کا رگذاشته شده است . امپریالیست های آمریکا یی به بهانه "کمک نظامی" میلیاردها دلار از همه گونه سلاح های مدرن به کره جنوبی وارد کرده اند .

ایالات متحده آمریکا فرماندهی عالی نیروهای آمریکایی و ارتش دست نشانده کره جنوبی را در دست فرمانده جنوبی آمریکا یی در کره جنوبی متمرکز کرده است . ایالات متحده آمریکا همه ساله مانور های وسیع تعرضی در کره ترتیب می- دهد و حتی نقشه یک جنگ اتمی را آماده دارد .

همه واقعت ها دلالت بر آن دارد که خطریک جنگ تازه در شبه جزیره کره امروزه فزونی یافته است و این امر در میان مردم جهان که خواستار صلح اندکنگراسی بزرگی به وجود می آورد .

امروزه در کره جنوبی راه مردم به داشتن حق زندگی و دموکراسی بیرحمانه پایمال می شود . "قانون حکومت نظامی" در سراسر کره جنوبی اعلام شده ، کلیه فعالیت های سیاسی و آزادی مطبوعات ممنوع و مدارس بسته شده است . چون دوهوان برای سرکوب خونین مردم در طی حوادث کوانگجو ، بیش از ۱۷۰۰۰۰ سرباز را به نام "سپاه حکومت نظامی" و واحدهای ویژه پاراشوتیست بسیج کرد و تعداد بسیاری تانک و زره پوش و حتی موشک به میدان آورد . آنان دوهزار دوا نخبه و مردم میهن دوست را کشته ، بیش از ده هزار تن را مجروح کردند و به قاعله ده روز تنها در کوانگجو چندین هزار تن را با زداشت نمودند . با تشکیل "کمیته ویژه امنیت ملی" دارو دسته چون دوهوان یک دیکتاتور نظامی بسی بدتر از حکومت پاک چونگ هسی دیکتاتور پیشین برقرار کرده اند .

چون دوهوان فاشیست مخالفان سلیبی خود را از میان برداشت و در ۲۷ اوت مسخره بازی تفویض ریاست جمهوری را به خود ترتیب داد . همچنین او بر ضد دموکرات های کره جنوبی دادگاه های نظامی دست - آموزی را به نمایش واداشت که کیم دای جونگ را به مرگ ، دوازده تن را به زندانهای نایبست سال و یازده تن دیگر را به زندانهای نهایی تا چهار سال و نیم محکوم کردند . دولت آمریکا به رغم آن که از تعهد ایالات متحده در باره حقوق بشر مردم میزند ، همچنان فرمانروایان کره جنوبی را تشویق و تحریک می نماید تا به بدترین وجهی به حقوق بشر تها و زوروا دارند ، و این خود موانع بزرگتری بر سر راه تکامل جامعه دموکراتیک کره جنوبی و تجدید وحدت کره ایجاد می کند .

مسئله تجدید وحدت کره مرداخلی مردم کره است که در آن هیچ نیروی خارجی دخالت ندارد . کره که به دست نیروهای خارجی تقسیم شده است نمی تواند وحدت خود را با تکیه بر نیروهای خارجی باز یابد . برعکس ، چنین چیزی با ورود نیروهای خارجی بیشتر ، تنها موجب انقباض می گردد . جمهوری دموکراتیک خلق کره از حل مسئله تجدید وحدت کشور به وسیله خود مردم کره به طریقی مستقل بدون هیچ دخالتی از خارج ، بر اساس اصول دموکراتیک و از راه های مسالمت آمیز ، جانبداری کرده و هر گونه تلاش صمیمانه ای را برای تحقق آن به جا آورده است .

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح ، با در نظر گرفتن و خامت اوضاع در شبه جزیره کره بر اشغال کره جنوبی از سوی امپریالیست های آمریکا یی ، و با توجه به این امر که صلح در کره و تجدید



اقیانوس هند و خلیج فارس باید از وجود پایگاه های نظامی امپریالیسم آمریکا پاک گردد .

بقیه: استراتژی...

رشد اقتصادی شان دانست. ویژگی مهم این استراتژی تکیه کردن به قدرت های صنعتی در جای نخست قدرت صنعتی اروپا بود که بخش مهمی از سرمایه های خارجی در آن گرد آمده بود. این منطقه از جهان تقریباً ۴۰-۳۵٪ سرمایه گذاری های کمپانی های اروپای باختری و تا ۴۰٪ سرمایه گذاری های کمپانی های آمریکایی را جذب نموده بود.

چند ملیتی ها بطور عمده سرمایه های شان را در شاخه های جدید که با پیشرفت سریع روبرو بودند و هزینه های زیاد برای تحقیق و توسعه می طلبیدند، به کار انداختند. این شاخه ها عبارتند از شیمی ماشین سازی، تولید وسایل مختلف حمل و نقل و غیره. فعالیت فوق انحصارات آمریکا در این زمینه نمونه و آراست. تولیدات با نرخ فعالیت پیشرفته علمی در حدود ثلث مبلغ سرمایه گذاری های مستقیم در خارج، هزینه های مربوط به ساختن، نوسازی، موسسات و تجهیزات و همچنین فروش های کمپانی های آمریکایی در خارج را تشکیل می دهد. گرایش مهم چند ملیتی ها به "درآمد میختن معقولانه" عناصرتولید در کشورهای مختلف موجب گسترش تقسیم کار عظیم بین المللی گردید نتیجه این که موسسات کشورهای صنعتی سرمایه داری تولید کالاهای با نرخ سرمایه و فعالیت پیشرفته علمی به انحصار خود در آورده اند. حال آن که موسسات کشورهای در راه رشد به ویژه کاری در استخراج مواد اولیه که ممکن است تغییر جزئی در آن بدهند و تولید کالاهای ساده که غالباً از حیث فنی با تولید اسای چند ملیتی ها پیوند ندارند. می پردازند. هدف از این تقسیم کار در جای چوب فعالیت چند ملیتی ها بطور اسای گسترش شاخه های مواد سوختی و مواد اولیه است که بطور محسوس مانع از صنعتی شدن این کشورهاست. ساختن مالکیت شعبه های چند ملیتی نقش قاطع آنها را در اقتصاد کشور های خارج مشخص می سازد. بدیهی است که هر قدر میزان سهام انحصارات در سرمایه شعبه ها باشد، درخا رج بیشتر باشد، کنترل فعالیت این شعبه ها بیشتر خواهد بود بنا بر این، تعجبی ندارد که استراتژی چند ملیتی ها معطوف به یاری کردن شعبه های مورد بحث در کسب مجموع سهام شعبه های خارجی باشد. تمام حتماً و کمال داریابی ها به هماهنگ کردن عملیات بین المللی چند ملیتی ها کمک کرد و به آنها امکان داد که در "معقولانه" کردن تولید و کار برد سیاست "استعمار فنی" توفیق یابند و اسلوب های جدید فنی را در موسساتی بکار بندند که صد در صد متعلق به انحصارات باشد. در نتیجه، دوم دهه ۶۰، چند ملیتی های انگلیسی و ژاپنی و نیز کمپانی های آمریکا و بریتانیا نیایی کنترل ۶۰٪ شعبه های خارجی شان را در کشورهای پیشرفته و در راه رشد در دست داشتند.

"فرار سرمایه های" اروپای باختری

در دهه ۷۰ تغییرات مشخصی در شکل ها و وسعت گیری های فعالیت چند ملیتی ها و در تضعیف برخی جنبه های استراتژی تدوین شده و تحکیم جنبه های دیگر آن حاصل شده است.

این تغییرات در جای نخست در کدی گسترش انحصارات آمریکا بی در کشورهای صنعتی سرمایه داری، قبیل از همه اروپای

باختری، و در توسعه سریع آنها در کشورهای جوان رهایی یافته مشاهده شد. چنانکه در سالهای ۷۰ بین آنگه های رشد سرمایه گذاریها در مناطق در راه رشد دنیا سرمایه نزدیکی محسوس بوجود آمد.

در سال ۱۹۷۶، برای اولین بار در این دهه، هزینه های تولید شعب کمپانی های آمریکا بی در اروپای غربی نسبت به سال پیش ۲٪ کاهش یافت. اگر عالمی چون ترقی فاحش قیمت ها در سالهای اخیر در نظر گرفته شود، در مجموع هزینه ها واقعی شعبه ها هنوز خیلی کمتر است. به عکس، مبلغ کل سرمایه گذاریها مستقیم کمپانی های اروپای باختری در ایالات متحده از ۲/۲ میلیارد دلار در ۱۹۵۰ به ۹/۶ میلیارد دلار در ۱۹۷۰ و ۲۷/۹ میلیارد دلار در ۱۹۷۸ افزایش یافت. البته در دوره مذکور سرمایه گذاری با اوراق بها دار در توسعه سرمایه های کشورهای اروپای باختری در ایالات متحده نقش مسلط داشت. اما در دهه ۷۰ می بینیم که نرخ سرمایه گذاری های مستقیم سرعت افزایش می یابد. چنانکه در ۱۹۶۰-۱۹۵۰ ۷/۸٪ در ۱۹۷۰-۱۹۶۰ ۷/۳٪ در ۱۹۷۸-۱۹۷۰ ۱۴/۲٪ بوده است.

نرخ رشد متوسط سالانه سرمایه گذاری های مستقیم خصوصی ایالات متحده آمریکا در خارج (به %)

	۱۹۷۰-۱۹۷۷	۱۹۶۰-۱۹۷۰	۱۹۵۰-۱۹۶۰
کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه داری	۱۱/۰	۱۰/۶	۱۳/۱
اروپای غربی	۱۲/۸	۱۴/۲	۱۴/۵
کشورهای در راه رشد	۹/۵	۶/۹	۶/۱

چند ملیتی های اروپای غربی سرعت در شاخه های نوین صنعت آمریکا رسوخ می کنند. انحصارات اروپای غربی ضمن حفظ مواضع محکم خود در صنعت نفت که از پیش کسب کرده اند، موقعیت خود را در صنعت شیمی و ماشین سازی استحکام می بخشند. آنها شروع به لویجا موسسات خاص خود در شاخه های کرده اند که سابقاً برای شان ناممکن بود. چنانکه در ماک و فولکس واگن به ترتیب یک نگاه برای تولید جراثقال و نخستین کارخانه اتومبیل سازی خارجی در ایالات متحده آمریکا را تأسیس کرده اند. در دهه ۷۰ چندین کمپانی آمریکا بی، از جمله کمپانی های بالنسبه مهم به رقابت های آن سوی اقیانوس جذب شدند. فعالیت چند ملیتی های اروپای غربی در ایالات متحده آمریکا بیش از پیش با سرمایه گذاری های قابل ملاحظه پیوند می یابد که سابقاً فقط در کشورهای شان انجام می گرفت.

بدین سان می بینیم که اروپای غربی رفته رفته موقعیت خود را در زمینه سرمایه گذاری های مهم خارجی برای انحصارات بزرگ سرمایه داری از دست داده است. در این جا گفتگوی چند ملیتی های آمریکا بی الاصل است که در حال حاضر با روند فزاینده کاهش سرمایه گذاریها در خارج روبرو هستند. از این رو بخشی از سرمایه گذاری ها در نتیجه بندوبست یا فروش موسسات به میهن عودت داده می شوند...

تعداد چند ملیتی های تصفیه شده در خارج در نتیجه دوم دهه ۶۰ به طور قابل ملاحظه افزایش یافت. در گسترش "امپراتوری" خارجی چند ملیتی ها در ویژگی مهم به چشم می خورد. نخست کاهش مداوم میزان سرمایه گذاری هاست. چنانکه این کاهش در ۱۹۶۹-۱۹۶۷، ۷۷۵، ۱۹۶۷-۱۹۷۲-۸۰۰، ۱۹۷۰-۱۹۷۳، ۱۹۷۳-۸۴۰ بوده است. دوم کاهش تعداد شعبه های جدید تأسیس است. در برابر هر شعبه تصفیه شده در ۱۹۶۶-۱۹۵۱ تقریباً ۹ شعبه در

۱۹۶۹-۱۹۶۷، ۳/۲، ۱۹۶۷-۱۹۷۲-۱۹۷۰، شعبه در ۱۹۷۳-۱۹۷۵ تنها ۲ شعبه جدید تأسیس وجود داشت. بنا بر این، چه عواملی در تشدید روند کاهش سرمایه گذاری های خارجی آمریکا دخالت دارند. آیا این عوامل دوره ای و تمام دنی هستند یا این که برخی پدیده های دراز مدت را در فعالیت های چند ملیتی منعکس می سازند؟

ابتداءً باید نقشی که بحران اقتصادی ۱۹۷۱-۱۹۶۹ مخصوصاً بحران ۱۹۷۵-۱۹۷۴ در تحکیم کاهش پذیری سرمایه گذاری های چند ملیتی های آمریکا بی باعث نمود، اشاره کرد. اگرچه اطلاعاتی که ما در اختیار داریم متضمن داده های سالهای بحران نیست ولیکن واکنش چند ملیتی ها را در برابر خرابی اوضاع و احوال اقتصادی در کشورهای رشد یافته نشان می دهد. بیش از ثلث و در برخی سالها ۴۰-۵۰٪ موسسات و شرکتهای تصفیه شده چند ملیتی های آمریکا بی به اروپای غربی مربوط اند. لازم به یاد آوری است که در ۱۹۷۵- سال بسیار دشوار برای اقتصاد سرمایه داری - ناچیزترین شعب جدید تأسیس (۱/۴) در برابر هر

شعبه تصفیه شده (منحل شده) به نسبت رسیده است. (در عین حال باید در نظر داشت که تصمیم کشورهای در راه رشد در کنترل مستقلانه منابع طبیعی شان یکی از عوامل بسیار مهم سیاست تقبیل سرمایه گذاری های انحصارات بوده است).

سرگذشت گرا یملر تصویر روشنی از چگونگی تاثیر بحران های اقتصادی در فعالیت های چند ملیتی ها به دست می دهد. این کمپانی در سالهای ۶۰ در سازمان دادن موثر کار شعبه های پیش در انگلستان، فرانسه و اسپانیا همیشه موفق نبوده است. بحران موجب شد که موقعیت ناپایدار این چند ملیتی آمریکا بی در اروپای غربی بر ملا شود و مواضع آن متزلزل گردد. هر چند در ۱۹۷۵ شعبه کمپانی گرا یملر موفق شده کمک مالی دولت انگلیس روی پای خود بایستد، با این همه خرابی اوضاع مالی برگشتنا پذیر باقی ماند. موسسات دیگر چند ملیتی مذکور در اروپا با ضرر به فعالیت پرداختند و این در قدرت رقابت تمام می این چند ملیتی تاثیر منفی داشته است. گرا یملر برای نجات موسسه خود از مشکلات مالی ناچار شد در ۱۹۷۹-۱۹۷۸ شعبه های پیش در اروپای باختری را به کمپانی فرانسوی پوزوئوت سیتروئن بفروشد.

با این همه، بحران اقتصادی عامل اصلی مشکلات چند ملیتی ها نبود، بلکه تنها گاتالیزوری برای تغییرات حاصله در استراتژی چند ملیتی ها بود. این تغییرات از جای چوب تغییرات کوتاه مدت و اتفاقی یا قراتر نهاد، بحران ۱۹۷۵-۱۹۷۴ که می توان آن را شدیدترین و زرف - توین بحران بعد از بحران ۱۹۲۳-۱۹۲۹ دانست، بطور کلی نشان دهنده بی ثباتی روز افزون در رشد سرمایه داری است. در این باره ج. پ. رودز رئیس موسسه تحقیقاتی بوز آلن اند هاملتون اینترناشنال آمریکا نوشت: "با زرگانانی که با آنها به گفتگو نشستیم عقیده دارند، وقایعی که در اروپا می گذرد، دراز مدت است. من فکر می کنم که ما در راهی گام

نهاده ایم که با فعالیت های عظیم سرمایه گذاری دهه ۶۰ بی فاصله دارد." تضعیف توسعه چند ملیتی ها در اروپا غربی در برخورد اول عجیب جلوه می کند. اما اگر در نظر گیریم که سراسر این روند به عوامل جدی دراز مدت مشروط شده، وضع مورد بحث غیر منتظره به نظر نمی آید. نتایج بحران سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۴ نشان داده اند که این بحران گرایش های عمیق تر و با دوام تر در رشد چند ملیتی ها را کاهش داده است. از این رو، این بحران موجب شده که ساختار چند ملیتی ها تغییر یابد و تکنولوژی سنتی که تا آن زمان در فعالیت های تولیدی چند ملیتی ها در کشورهای پیشرفته صنعتی معمول بود، به کنار رها شده شود.

چنانکه می دانیم رشد سریع چند ملیتی ها مخصوصاً مدیون گسترش شاخه های پیشرفته فنی و نرخ پژوهش های پیشرفته علمی در بخش صنعتی دنیا سرمایه داری است.

بحران ها تمرکز سرمایه های چند ملیتی ها را متوجه شاخه های کرده اند که تحت تاثیر مستقیم انقلاب علمی و فنی قرار دارند. بخش مهمی از شعبه های واقع در اروپای باختری که در شاخه های بی چون نساجی، چرم سازی، کفش و جوارب، لباس دوزی، صنایع غذایی و تولید کود فعالیت داشته اند، منحل شده اند. از جمله کمپانی های سرمایه گذاری ها نشان را در صنایع مذکور متوقف کرده اند. عبارتند از: جنرال فودز، گلف اویل، و. ر. گراسی، گودیر، تاتیرا تدرایورینودز متالز. به عکس، در شاخه های که با نرخ پیشرفته پژوهش علمی سروکار دارند، تعداد فروش شعبه ها بالنسبه ناچیز است: مانند شاخه های فرعی ماشین سازی، تولید شمارگرها و کالاهای الکترونیک و داروسازی قدرت رقابت چند ملیتی ها بی که در شاخه های مذکور فعالیت می کنند، به سبب کسب سودهای کلان، به مراتب بیشتر از کمپانی های است که در بخش های سنتی فعالیت دارند.

از این رو، انحصارات تعدادی از کشورهای با برخورداری از حمایت دولت کمپانی جنرال الکتریک را تحت فشار قرار داده اند تا این کمپانی سهم بیشتری از سرمایه موسسات تولید کننده کالاهای فنی پیشرفته و پیچیده (مانند لاکوموتیو دیزل، ژنراتور الکتریک) به شرکای محلی واگذار کند. اما چند ملیتی های آمریکایی با تمام وسایل می کوشند از انجام این اتفاقاً ظفره بیرونند. زیرا سازمان دادن تولید کالاهای مذکور در شعبه های مختلط این خطر را در بر دارد که اطلاعات و رموز فنی آنها فشاء شود. یکی از مدیران جنرال الکتریک می گوید: "هنگامی که مقامات محلی فشار می آورند که سهم بیشتری از سهام به آنان داده شود، در صورت لزوم ما آماده ایم به خاطر حفظ سلطه خود بر تولید کالاهای پیچیده کمپانی را تقسیم کنیم و تولید آن دسته از کالاهای مستلزم تکنولوژی پیشرفته نیستند به شرکتهای محلی سپاریم. پنج سال پیش اکثر چند ملیتی های آمریکا بی شعبه های محلی را چیزی که با رچه و غیر قابل تقسیمی تلقی می کردند، اما امروز این نظریه ممکن و نه سودمند است." چند ملیتی ها با تمرکز تولید کالاهای پیچیده در دست خود در حقیقت به نحوی کشورهای دیگر را در زمینه علمی و فنی به خود وابسته می سازند.

فعالیت کمپانی های چند ملیتی شدیداً تحت تاثیر دگرگونی های حاصله در اوضاع سیاسی و اجتماعی اقتصاد کشور های اروپای غربی قرار دارد.

پرولتاریای کشورهای سرمایه داری و سیمابا اشکال جدید مبارزه طبقاتی بر

حسابی که باید تسویه کرد

پل الوار

ده دوست در جنگ کشته شدند
ده زن در جنگ کشته شدند
ده کودک در جنگ کشته شدند

صد دوست در جنگ کشته شدند
صد زن در جنگ کشته شدند
صد کودک در جنگ کشته شدند
ویاز هزار دوست و هزار زن و هزار کودک

حساب کشتگان را ما خوب نگه می داریم
هزار هزار و میلیون میلیون
ما شمردن می دانیم ولی همه چیز بس زود می گذرد
از این جنگ به آن جنگ همه چیز محو می گردد

اما همین که یک کشته ناگهان از جا برخیزد
در مرکز دایره حافظه مان
آنگاه است که ما به رغم مرگ زندگی می کنیم
بر ضد جنگ می جنگیم

برای زندگی می جنگیم.

بقیه:

ملت مسلح - پیروزی...

عراق سخت شود، این رژیم‌های خود فروخته، به دستور و حمایت فعال آمریکا و همدستان اروپایی و غیرا اروپایی‌ها، به نای برای ورود به جنگ بتراشند. در این میان آمریکا، که به رغم ناوگان عظیم و نفوذات و تجهیزات خود در اقیانوس هند و دریای عمان و یابگانه‌ها پیش در سرزمین‌های جنوبی خلیج فارس، بر اثر اخطارهای مریخ و مکرراتحاد شوروی امکان دخالت مستقیم از آن سلب شده است، همچنان دم از بیطرفی خواهد زد، اما در نهان بمرکت درگیری رژیم‌های ارتجاعی عرب و ترس‌شان از سربایت انقلاب خواهد کوشید تا نیروهای خود را بیش از پیش در خاک‌شان مستقر سازد و منابع نفتی‌شان را در جنگ بگیرد. آنچه ما به نام لیسم از این دسیسه چینی‌ها می‌خواهیم آن است که، ضمن تحکیم سلطه سیاسی، نظامی و اقتصادی خود بر منطقه، انقلاب ایران را در جنگ طولانی میخکوب کند، با زسازی و بهیشت کشور را مانع شود، به عنوان لیبیرال و سازشکار بهانه اعتراض به سیاست انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدهد، و با بهره‌گیری زخستگی و سر خوردگی و نارضایتی مردم که عوام‌لش بر آن دامن خواهند زد - زمینه روحی را برای توطئه‌های ضد انقلابی فراهم سازد.

این خطری بزرگ است که با بدتر آن چشم‌کشود و هر چه

زودتر به مقابله آن برخاست، به سود انقلاب ایران نیست که جنگ پرتولانی شود و نیروی زنده ملت ما را در سنگرها بیوانند. انقلاب نمی‌تواند حالت دفاعی به خود بگیرد، ما به یک پیروزی قاطع و سریع نیاز داریم، این چیزی است که، در شرایط امروزی عوام‌لش و روحیات و امکانات، بخوبی در دسترس ماست. باید درخواست و با تمامی توش و توان کوشید، با بدهمه نیروهای مادی و معنوی انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی و اسلامی ایران را بی درنگ بسیج کرد، ملت را در تمامی عناصر آماده به جنگ مسلح ساخت و با ما زویبرگ و سلاح کارآمدوسا زماندهی دقیق در موجهای متوالی و درهم‌گوبنده به جبهه‌ها فرستاد، جنگ به ما تحمیل شده است و ما به حکم انقلاب موظفیم در این جنگ پیروز شویم. ملت مسلح پیروز است و با قاطعیت و سرعت پیروز است.

اما ملت مسلح همان ملت متحد است. اتحاد نیروهای انقلابی ضرورتی است که باید بدان کردن نهاد. ملت مسلح ما، اگر سازمان جنگی خود را گردمهورا تحادهمه نیروهای خلقی و ضد امپریالیستی بسپارد، شکست‌ناپذیر خواهد بود و انقلاب را در ایران - و ناگزیر در منطقه - پیروز خواهد کرد.

ملت را متحد و مسلح کنیم!

هجوم افسارگسیخته صدام حسین خائن...

خلقی‌اش انسان را به یادگفته‌های مضحک شاه خالدهنیا لکیا و می‌اندازد که اخیرا مدعی شد: "مخالفت با حضور هواپیماهای آواکس در عربستان مخالفت با اسلام و همکاری با اسرائیل است"

امپریالیسم آمریکا که در چهره صدام خائن بهترین محری مرحله آغازین طرح "جهش مثبت ۸۰" را یافته است، با کفاندن این قدره بنده بازی‌های خطرناک خود در منطقه، انفجار آمیز خا و ریزدیک تعرض جدیدی را برای تغییر اوضاع این منطقه به سود امپریالیسم و صهیونیسم آغاز کرده است.

در هفته گذشته در اجرای مراحل بعدی نقشه‌های شیطان‌های امپریالیسم آمریکا بر ضد خلق‌های خاور نزدیک و خلیج فارس کوشش‌های نمونه‌واری صورت گرفت. احمد روی وزیر دفاع مصر اعلام کرد: "۳ آمریکا ۱۴۰۰ سربا زویک اسکادران که متشکل از ۱۲ هواپیما می‌باشد ماه آینده (۱۳ نوامبر ۲۲ آبان) برای انجام مانورهای مشترک نظامی با مصر به این کشور اعزام خواهد کرد".

براون وزیر دفاع آمریکا در این زمینه گفت: "نیروهای مصری نیز برای تعلیمات مشابهی به آمریکا خواهند رفت" دیدار یک اسکادران از کشتی‌های ناوگان ششم نیروی دریایی آمریکا از بندر حیفا که در آن ناوگان و شکان تهاجمی "جان اف - اف - کندی" قرار دارد و حامل ۷۰۰ ملوان آمریکا است و ماور مشترک ۲۵ کشتی جنگی آمریکا و انگلیس در دریای عمان با شرکت ناوهای هواپیما آمریکا - بی "میدوی" و "آیزنهاور" و ۱۷۰ هواپیما جنگی و ۱۸۰۰ پرسنل نظامی و نیز ملاقات فرماندهان ناوگان‌های آمریکا، انگلیس، فرانسه و استرالیا در خلیج فارس و اقیانوس هند برای بررسی نقشه‌های جنگی مشترک و سپس تجمع ۵۰ کشتی جنگی کشورهای مذکور در خلیج فارس از وضعیت اوضاع در منطقه و توطئه‌گسترده و روزافزون شیطان بزرگ - آمریکا - حکایت می‌کند.

کارتل‌های نفتی آمریکا و اروپای غربی برای آمادگی مردم اروپا و آمریکا در یک درگیری بزرگ و جهانگیر در خاور نزدیک، رسانه‌های گروهی خود را به زور

این دیدارها که توأم با اعزام ناوگان‌ها و نیروهای ضربتی آمریکا به منطقه و حمله وحوش آن بود، به وضوح نشان می‌داد که امپریالیسم آمریکا به خاطر دفاع از منافع انحصارات نفتی و مجتمع‌های نظامی - صنعتی از هیچ توطئه‌ای برای خاموش کردن شعله‌های سرکش انقلاب خلقی ایران و سرکوب جنبش‌های آزادی‌بخش منطقه که دیربست با قوس بسط‌دهی ملت‌های خویش را به صدا درآورده‌اند، رویگردان نیستند.

استدگمان می‌رفت که هجوم مسلحانه طرح "جهش مثبت ۸۰" از همان آغاز با ورود نظامیان آمریکایی به صحنه به نمایش در خواهد آمد.

تخا و ریزما می‌رژیم ضد خلقی بعث عراق به ایران یک ماه پس از افشای توطئه، سیمای کربه مجریان آغازین طرح را که محور بغداد - امان - ریاض است - جاسپان نشان داد.

حاکمان بغداد که نمایندگان کلان سرمایه‌داران و زمینداران سرزمین عراقند با شرکت فعال در توطئه براندازی جمهوری اسلامی ضد امپریالیست ایران هنوز مدعی مبارزه با امپریالیسم در منطقه - اند.

صدام خائن که سرزمین عراق را به بهشت جنایتکاران و استعمارگران و قربانگاه شیفتگان راه آزادی و استقلال عراق بدل کرده و با برپا کردن جوخه‌های اعدا مینه، بیضا هنگان خلق را که وابسته به گردان‌های مختلف مبارزه، خلقی و ضد استعمار راند، مشبک می‌سازد، چگونه می‌تواند با امپریالیسم در کشاکش و مبارزه باشد. یک چنین رژیم بنا بر خاستگاه اجتماعی - اقتصادی ضد خلقی‌اش از اوج جنبش‌های توده‌ای بیمناک است و برای مقابله با آن با ارتجاع و امپریالیسم به توطئه می‌نشیند.

استقبال صدام از خوردگان و قصابان رژیم شاه ملعون در ضدیت با جمهوری اسلامی ایران و بندوبست با ملک خال‌دوبه دلالی او شرکت فعال در توطئه امپریالیسم برای سرکوبی انقلاب ایران جایی برای هرزه‌گویی و ادعاهای بوج و بساوه باقی نمی‌گذارد.

با وده‌های صدام در توجیه رژیم ضد-

قطعه‌نامه

درباره افغانستان

جنگ اعلام‌شده‌ای که ارتجاع منطقه با همدستی کشورهای امپریالیستی غرب، بویژه ایالات متحده آمریکا و شوروی نیست - های چین، بر ضد ملت افغانستان و انقلاب نوریدان دست‌پا زیده‌اند، ادامه دارد. در این جنگ، از یابگانه‌هایی که در خاک پاکستان و دیگر کشورهای همسایه قرار دارند، عملیات بی‌اندازه فجیع و غیرانسانی در حق جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت می‌گیرد.

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح این دسیسه‌های جنایتکارانه امپریالیسم و اعمال محلی آن را محکوم می‌کند. با وجود اعتراضات مکرر دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، ارتجاع بین‌المللی از به‌کار بردن همه‌گونه سلاح‌های کشتار جمعی، و از آن جمله سلاح‌های شیمیایی که قرار دادهای بین‌المللی آن همه را غیر انسانی و استفاده از آن را ممنوع اعلام کرده است، در جنگ بر ضد ملت افغان تردیدی به خود راه نمی‌دهد.

دوانگیزه اساسی تجا و زبرد جمهوری دموکراتیک افغانستان عبارتند از: مانع تراشیدن، به هر قیمت که باشد، در روند دموکراتیک دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی و باقی‌نگه داشتن یک‌کانون تشنج و جنگ در افغانستان، این کارچیزی جز خدمت به منافع میلیتاریستی و نگرانه امپریالیسم در خلیج فارس و اقیانوس هند و عزم‌وی به درهم‌گوبیدن هرگونه جنبش‌های ملی در کشورهای منطقه نمی‌تواند باشد.

پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح از پیشنهادهای مجدد دولت افغانستان برای تصفیه سیاسی اوضاع در منطقه پشتیبانی می‌کند. این پیشنهادها بر شروع بی‌درنگ و بدون هیچ شرط قبلی مذاکرات میان دولت‌های افغانستان و ایران و پاکستان مبتنی است.

راه حل سیاسی ناشی از این ملاقات - تنها و مذاکرات می‌باید تضمین‌های بین‌المللی درباره قطع هرگونه دخالت و تجا و زبه‌ها کمیت و تمامیت ارضی و استقلال جمهوری دموکراتیک افغانستان تحکیم شود و این تضمین‌ها می‌باید از سوی همه کشورهای بی‌که به اتحاد در تحت

خایی علیه رژیم انقلابی ایران و اداشته‌اند و همزمان با یورش سبانه رژیم بعثی عراق به ایران در باره خطر مسدود شدن تنگه هرمز رجاست ایران داد سخن می‌دهند.

منظور از این سیمپاشی تأمه کردن اذهان برای پیاده کردن حلقه‌های دیگر توطئه با مشارکت همه دولت‌های نیرومندا امپریالیستی - آمریکا و اروپای باختری - است. طبق این نقشه آمریکا فرصت می‌یابد علاوه بر تهاجم خونین به انقلاب ایران نقشه دیرین خود را درباره تصرف مناطق نفت‌خیز که از آغاز دهه ۷۰ به ویژه پس از بحران ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ تعقیب می‌نمود، به مرحله اجرا درآورد.

واکنش سریع و افشاگرانه دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر این توطئه، رشته‌های بلندگویان انحما، ات را پنبه کرد. تکذیب به موقع دولت ایران در باره مسدود شدن تنگه هرمز در بیابان می‌بهره‌بردار از این شایعات رسوا و توطئه‌آمیز از سوی محافل امپریالیستی عقیم گذاشت.

امپریالیسم آمریکا و هم‌پیمانان اروپای غربی، گانادایی و ژاپنی اوتا زمانی که رژیم نوین دایران به سیاست ضد امپریالیستی خود ادامه می‌دهد و در جهت حفظ منافع زحمتکشان گام برمی‌دارد، دست از توطئه بر نمی‌دارند.

جنگ تحمیلی آمریکا - عراق که از طرح "جهش مثبت ۸۰" ما به می‌گیرد، گوشه‌ای از این توطئه خائنه بزرگ است. جنگ توده‌ای عادلانه خلق‌های زحمتکش ایران بر ضد دیوانه‌سری صدام خائن جواب‌دندان شکنی است به امپریالیسم جهانخواه آمریکا که این بار هم مانع توطئه‌های ناگام گذشته در ارزیابی ایمان انقلابی خلق قهرمان مادر نبرد با امپریالیسم به خطر رفت.

مردم ایران گلنهای سرسبز زندگی خود - جوانان - را در صف مقدم رژیم پیگیر و دلاوران با ابولبول جهالت و سیه‌روزی جهان - امپریالیسم - در طبق اخلاص سپاده اند و با هشیار انقلابی خود را برای ناکام ساختن توطئه‌های بعدی امپریالیسم آماده می‌سازند.

رهبری امپریالیسم آمریکا بر ضد خلق زحمتکش افغانستان پیوسته اندک‌اندک خود را برلمان جهانی ملت‌ها برای صلح طلب می‌کند که امپریالیسم تحریک به برادر - کشی میان مردم افغانستان و اخلال در زندگی مسالمت‌آمیز ملت افغان را متوقف سازد و از مانع تراشی در ایجاد جامعه نوین مبتنی بر پیشرفت و دموکراسی که مردم افغان در کار ساختن آن هستند دست بردارد.

متوقف شدن همه‌گونه اشکال دخالت امپریالیسم و ارتجاع در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان، برای حل مسطه فراخوانده شدن نیروهای محدود اتحاد - شوروی که به منظور عرضه داشت کمک برادرانه و بیغرضانه به مردم افغانستان در قلمرو این کشور هستند، شرایط مساعدی به وجود خواهد آورد.

انقلاب افغانستان هرگز مغلوب امپریالیسم نخواهد شد. پارلمان جهانی ملت‌ها برای صلح همه مردم جهان را به اعلام همبستگی خود با افغانستان و مطالبه قطع دخالت خونین نیروهای امپریالیسم و ارتجاع فرا می‌خواند.

